

# تا باز روی که کار خام است

## نقد تصحیح انیس الوحدة و جلیس الخلوۃ

۱۱۱-۹۵

علی رحیمی واریانی

**A Review on the Correction of *Anīs al-Wahdat wa Jalīs al-Khalvat***  
By: Ali Rahimi Vāriyāni

**Abstract:** *Anīs al-Wahdat wa Jalīs al-Khalvat*, written and compiled by Mahmood bin Mahmood bin Ali al-Hosseini known as Ela Goleštāne, in 8<sup>th</sup> century is in the form of Muhāzirāt books. In 1390, Mr. Mojtaba Motahari defended his doctoral dissertation titled «Correcting, Studying, and an Introduction to *Anīs al-Wahdat wa Jalīs al-Khalvat* by Goleštāne Esfahāni» at the Faculty of Theology and Islamic Studies of Tehran University. This treatise was published the following year by the publication of Library, Museum and Document Center of Iran Parliament. Unfortunately, Mr. Motahari's correction, despite his efforts, is fraught with various mistakes. This article is going to review some of these mistakes along with some excerpts from the book.

**Key words:** *Anīs al-Wahdat wa Jalīs al-Khalvat*, Mahmood Goleštāne, codicology, correction, review.

واصل مسيرك فما أنجزت المهمة؛ نقد تصحيح أنيس الوحدة وجليس الخلوۃ

الخلاصة: يندرج كتاب أنيس الوحدة وجليس الخلوۃ ضمن الكتب التي ألقت على منهج كتب المحاضرات، وقد تولّى جمعه وتأليفه في القرن الثامن (محمود بن محمود بن علي الحسيني، المنسوب إلى گلستانه).

وفي العام ۲۰۱۲ م دافع السيد مجتبی مطهري عن أطروحته لنيل درجة الدكتوراه في كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية بجامعة طهران، وكان عنوان أطروحته هو تصحيح كتاب أنيس الوحدة وجليس الخلوۃ وتحقيقه وكتابة مقدمة له.

وقد صدرت هذه الأطروحة مطبوعة في العام التالي - أي عام ۲۰۱۳ م - من قبل انتشارات مكتبة ومتحف ومركز وثائق مجلس الشورى الإسلامي في إيران.

والذي يؤسف له أن تصحيح السيد مطهري، ورغم سعيه واهتمامه، مليء بالإشكالات المختلفة. والمقال الحالي يناقش عدداً من هذه الاشتباهات من خلال عددٍ من النماذج التي يشير إليها.

المفردات الأساسية: أنيس الوحدة وجليس الخلوۃ، محمود گلستانه، علم المخطوطات، التصحيح، النقد.

**چکیده:** انیس الوحدة و جلیس الخلوۃ کتابی است به شیوه کتب محاضرات از قرن هشتم که «محمود بن محمود بن علی الحسینی، المنسوب الی گلستانه» آن را گردآوری و تألیف کرده است. در سال ۱۳۹۰ آقای مجتبی مطهري در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران از رساله دکتری خود با عنوان تصحیح و تحقیق و مقدمه ای بر کتاب انیس الوحدة و جلیس الخلوۃ اثر گلستانه اصفهانی دفاع کرد. این رساله سال بعد یعنی سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شد. متأسفانه تصحیح آقای مطهري، علی رغم تلاش ایشان انباشته از اشکالات گوناگون است. در این مقاله برخی از این اشتباهات با آوردن نمونه هایی چند بررسی شده است.

**کلیدواژه:** انیس الوحدة و جلیس الخلوۃ، محمود گلستانه، نسخه شناسی، تصحیح، نقد.



انیس الوحده و جلیس الخلوۃ؛ محمود بن محمود بن علی الحسنی «گلستانه»؛ تصحیح و تحقیق مجتبی مطهری؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.

انیس الوحده و جلیس الخلوۃ کتابی است به شیوه کتب محاضرات از قرن هشتم که محمود بن محمود بن علی الحسنی، المنسوب الی «گلستانه» آن را گردآوری و تألیف کرده است. مرحوم ایرج افشار در مقاله «انیس الوحده و جلیس الخلوۃ (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرایی)» که در سال ۱۳۷۹ در یادنامه دکتر احمد تفضلی به چاپ رسیده، مفصلاً به معرفی این جنگ و مؤلفش پرداخته است. ایشان همچنین مشغول تصحیح این میراث گران قدر فرهنگ ایرانی بودند که متأسفانه اجل مهلت تمام کار را به ایشان نداد. کار نیمه تمام مرحوم افشار در اختیار دکتر جواد بشری است و ایشان با تمام مشغله‌های ارزشمند و فراوانی که دارند، دیر یا زود آن را به انجام خواهند رسانید و اهالی ادب را از یک تصحیح دقیق و علمی بهره‌مند خواهند کرد. غیر از مقاله مرحوم افشار، از دیگر تحقیقاتی که مستقلاً به انیس الوحده پرداخته است، مقاله «درنگی در انیس الوحده» از دکتر جواد بشری است که در سال ۱۳۸۶ منتشر شده و در آن، نسخه کهن و مهم کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۰۳۹ معرفی شده است. در سال ۱۳۹۰ آقای مجتبی مطهری در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران و در رشته مدرسی معارف اسلامی - اخلاق اسلامی از رساله دکتری خود با عنوان «تصحیح و تحقیق و مقدمه‌ای بر کتاب انیس الوحده و جلیس الخلوۃ اثر گلستانه اصفهانی» دفاع کرد. این رساله سال بعد، یعنی سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی منتشر شد. در نوشته حاضر به نقد و بررسی این تصحیح پرداخته شده است.

متأسفانه تصحیح جناب مطهری علی‌رغم تلاش ایشان انباشته از اشکالات فاحش گوناگونی از قبیل: اشتباهات روش‌شناسی و نسخه‌شناسی، ضعف در بررسی پیشینه پژوهش، اشتباه در ارجاع به منابع، بدخوانی متن و ضبط‌های غلط، عدم تفکیک صحیح اشعار مستقل و... است که برخی از این اشتباهات را با آوردن نمونه‌هایی چند بررسی خواهیم کرد.

مصحح اساس کار خود را نسخه بی تاریخ سپهسالار به شماره ۲۹۱۶ قرار داده<sup>۱</sup> و جز نسخه ناقص مرکز احیاء که در مقدمه به اشتباه از قرن یازده دانسته شده (مقدمه، ص ۷۸)، از دیگر نسخ کهن انیس الوحده غفلت کرده است. ایشان در صفحه هفتاد و هشت از مقدمه کتاب خود، در جایی که از نسخ اثر نام برده است، به دو نسخه اشاره می‌کند: یکی «نسخه اشکوری کتابخانه سید محمد رضا اشکوری، قم به شماره ۸۰۸ قرن یازدهم» که مصحح آن را با حرف اختصاری (ب) جزء نسخه‌هایی که در تصحیح از آنها استفاده کرده آورده است و دیگری «نسخه سعید نفیسی به خط نسخ قرن هشتم...». مصحح سپس در ادامه آورده است:

۱. این نسخه در مقاله افشار از قرن یازده دانسته شده است. (رک به: ایرج افشار، «انیس الوحده و جلیس الخلوۃ (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرایی)»، ص ۶۹)

با مراجعه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. بخش نسخه‌های خطی. دریافتیم که این نسخه (نسخه نفیسی) در کتابخانه شخصی استاد نفیسی است؛ لذا دسترسی به آن آسان نبود. (ص هفتادونه از مقدمه)

اما همان‌طور که دکتر بشری در مقاله «درنگی در انیس الوحده» آورده است، نسخه‌ای که اکنون در مرکز احیاء میراث اسلامی قم به شماره ۸۰۸ نگهداری می‌شود، همان نسخه کهن و ناقص سعید نفیسی است که مرحوم افشار در مقاله خود معرفی کرده است.<sup>۲</sup> همچنین فیلمی از این نسخه با شماره ۳۸۳۹ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.<sup>۳</sup>

احتمالاً منظور جناب مطهری از کتابخانه سیدمحمدرضا اشکوری همان مرکز احیاء میراث اسلامی است و شاید دلیل این نام‌گذاری از جانب ایشان، این باشد که فهرستواره نسخه‌های خطی و عکسی مرکز احیاء را محمدرضا آصف آگاه (حسینی اشکوری) تهیه کرده است! هر چند در پایان کتاب و جایی که عکس آغاز و انجامه نسخ مورد استفاده مصحح درج شده، در پایین تصویر این نسخه، نام مرکز احیاء میراث اسلامی نوشته شده است.

عدم دقت جناب مطهری در ارائه اطلاعات صحیح از منابع، تنها به مورد نسخه مرکز احیاء محدود نمی‌شود و چنین ارجاعاتی را در کتاب ایشان باز هم می‌توان یافت. برای نمونه ایشان مقاله مرحوم ایرج افشار را این‌گونه نشانی داده است: «افشار، ایرج، انیس الوحده و جلیس الخلوۃ (گلستانه اصفهانی)، مجموعه مقالات اهدایی به دکتر محمدتقی تفضلی، تهران، نشر دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ه.ش.»! (کتابنامه مقدمه، ص ۸۴ و جاهای دیگر)، در حالی که مقاله استاد افشار در یادنامه دکتر احمد تفضلی که به کوشش علی اشرف صادقی در سال ۱۳۷۹ توسط نشر سخن منتشر شد چاپ شده است.

همچنین ایشان مؤلف کتاب النجوم الزاهرة را یوسف ابن تسفیری بردی اتابکی! نوشته که صورت صحیح نام او ابن تغری بردی است. (کتابنامه مقدمه، ص هشتادوسه و جاهای دیگر)

شاید دلیل رخ دادن این اشتباهات عجیب، اعتماد بیش از حد به حافظه یا نقل از شنیده‌ها باشد.

در مورد نسخه برلین جناب مطهری نوشته است:

... با توجه به اینکه نسخه نسبتاً کاملی بود قرار شد که با مکاتبه با آلمان... تهیه شود؛ لکن با توجه به هزینه سنگین آن برای ارسال نسخه به ایران متأسفانه امکان استفاده از آن مقدور نشد. (مقدمه، ص هفتادونه)

اما اگر آقای مطهری مقاله استاد افشار را به دقت می‌خواندند، درمی‌یافتند که مرحوم افشار از این نسخه عکسی تهیه کرده است و این عکس اکنون به شماره ۴۶۵۷/۲ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.<sup>۴</sup>

همچنین جناب مطهری در کتاب خود هیچ صحبتی از نسخه کهن و مهم ۱۲۰۳۹ کتابخانه مرعشی نکرده، در حالی که چهار سال پیش از تاریخ دفاع ایشان، این نسخه توسط جواد بشری در مقاله‌ای که پیش‌تر ذکرش رفت، به طور کامل شناسانده شده است.

نکته دیگری که درباره روش تصحیح آقای مطهری گفتنی است، اینکه ایشان همان‌طور که در مقدمه اشاره کرده است، به نسخه اساس خود، یعنی نسخه سپهسالار در همه جا پایبند نبوده و هر جا لازم شده ضبط نسخ دیگر را در

۲. رک به: جواد بشری، «درنگی در انیس الوحده»، ص ۲۲؛ همچنین سیداحمد حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، ص ۱۴ تا ۱۷.

۳. رک به: محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۲۵۵؛ همچنین ایرج افشار، «انیس الوحده و جلیس الخلوۃ (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرایی)»، ص ۶۷.

۴. رک به: ایرج افشار، «انیس الوحده و جلیس الخلوۃ (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرایی)»، ص ۶۸؛ همچنین محمدتقی دانش‌پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۳، ص ۸۵.

متن قرار داده است. به همین ترتیب در قسمت‌های متعددی از متن مشاهده می‌شود که ضبط نسخه سپهسالار به عنوان نسخه بدل در پاورقی آمده است، اما متأسفانه در این مواضع مشخص نشده که ضبط کدام نسخه به متن برده شده است. برای نمونه در پاورقی صفحه ۳۳۴ برای بخشی از متن چنین آمده است: «در نسخه «ا»<sup>۵</sup> و «ب» نیامده است»، اما مشخص نشده که متن از چه نسخه‌ای است. همین مشکل را در صفحه ۲۳۵، ۲۴۰ و... نیز می‌توان دید.

از آنجایی که مطالب این کتاب از منابع گوناگون گردآوری شده است، طبیعی است که با تصرف کتاب، متن نسخ مختلف نسبت به هم اضافه و نقصان داشته باشد. در این موارد تنها بعد از بررسی، اعتبار سنجی و تبارشناسی تمام نسخ موجود می‌توان اظهار نظر کرد و تصمیم گرفت، اما در برخی مواضع این اختلاف به شکل چشم‌گیری زیاد است. برای نمونه اشعار عربی و فارسی باب چهاردهم در نسخه ۱۲۰۳۹ مرعشی تقریباً دو برابر چیزی است که در متن چاپی آمده است.

جناب مطهری در صفحه هفتاد و یک از مقدمه کتاب خود گفته است که محمود گلستانه پس از ذکر نام عمر و ابوبکر عبارت «رضی الله عنه» را نیاورده و این مورد را در بحث مذهب گلستانه دخیل کرده است، اما در سه نسخه کهنی که بنده بررسی کردم، یعنی نسخه کتابخانه مرعشی به شماره ۱۲۰۳۹،<sup>۶</sup> نسخه نفیسی و نسخه برلین، در همه جا اسم خلفای راشدین با احترام و با ذکر «رضی الله عنه» آمده است. این مسئله ناشی از استفاده مصحح از نسخ متأخر و به احتمال زیاد تصرف کاتبان شیعه مذهب دوره صفوی است.

همچنین ایشان در صفحه ۶۸ از مقدمه گفته است:

هرگاه مصنف «من کلام الولی» می‌آورد مقصودش تنها امیرالمؤمنین (ع) است اما آنجا که تعبیر «من کلام الاولیاء» را می‌آورد سایر ائمه (علیهم السلام) و نیز عرفا و بزرگان را شامل می‌شود.

اما در همان باب نخست تصحیح خود ایشان و در صفحه ۴ از متن، نقیض گفته‌اند ایشان دیده می‌شود و ذیل عنوان «من کلام الولی» در کنار سخنانی از حضرت علی (ع)، سخنانی از یحیی ابن معاذ رازی، مالک بن دینار، ابویزید بسطامی و دیگر عرفا نیز آمده است. نسخه مرعشی<sup>۷</sup> در اکثر مواردی که در چاپی «من کلام الولی» آمده است، حتی در مواضعی که تنها از حضرت علی (ع) نقل قول شده است (نک: صفحه ۴۱ از چاپی و برگ ۳۰ از نسخه) عنوان «من کلام الاولیاء» دارد. برای نمونه در باب ثامن و در صفحه ۹۹ از متن چاپی ذیل عنوان «... من کلام الولی» از عمر و ذوالنون و غیره نیز جملاتی نقل شده است. نسخه مرعشی در این موضع و در برگ ۶۸، عنوان «من کلام الاولیاء» دارد. همچنین در ابتدای باب چهاردهم، در چاپی بعد از بخش «من کلام الله تعالی» دو بخش «من کلام النبی» و «من کلام امیرالمؤمنین علی...» آمده است، اما این عناوین چندان دقیق نیستند و ذیل عنوان آخراز حسن بن علی (ع) هم نقل قول شده است. نسخه مرعشی در این موضع و در برگ ۱۳۵، بعد از بخش من کلام الله تعالی عنوان «من کلام الانبیا و الاولیاء» دارد که مناسب‌تر به نظر می‌رسد. البته ارادت محمود گلستانه به حضرت علی (ع) در سراسر متن کتاب انیس الوحده آشکار است و برای اثبات آن نیازی به این استدلال‌های ضعیف و نادرست نیست.

یکی از اصول اولیه پژوهش که مربوط به اخلاق می‌شود؛ یعنی همان موضوعی که کتاب انیس الوحده براساس آن تدوین شده و مصحح نیز بخش اعظم مقدمه را به آن اختصاص داده، این است که پژوهش‌گر هر جا نکته‌ای را از تحقیقات دیگران نقل می‌کند، باید به منبع مورد استفاده اشاره کند و اگر نقل قول مستقیم انجام می‌دهد، آن را

۵. حرف «ا» در تصحیح آقای مطهری نشان نسخه اساس، یعنی نسخه سپهسالار است. گرچه در صفحه هفتاد و نه از مقدمه کتاب حرف «ا» برای آن ذکر شده است!

۶. از آقای دکتر محمد افشین وفایی که با گشاده‌دستی عکس این نسخه را در اختیار بنده قرار دادند، سپاسگزارم.

۷. در ادامه مقاله هر جا صحبت از «نسخه مرعشی» می‌شود منظور نسخه شماره ۱۲۰۳۹ کتابخانه مرعشی است.

ضمن ارجاع به منبع باید در گیومه قرار دهد. متأسفانه جناب مطهری در مقدمه کتاب خود این اصل مهم را رعایت نکرده است. برای نمونه مطالبی که در صفحه ۵۴ از مقدمه و ذیل عنوان فصل چهارم آمده است، با کمترین تغییر از مقاله مرحوم افشار نقل شده است<sup>۶</sup> و لازم بود که جناب مطهری به این مسئله اشاره می‌کردند.

\*\*\*

### بدخوانی‌ها و اغلاط متن

در ذیل برخی از اغلاط متن که مخل وزن و معنی است ذکر می‌شود. عبارات و کلمات داخل پرانتز صورت صحیحی است که از نسخه مرعشی استخراج شده است. حرف «چ» نشان نسخه چاپی و عددی که در مقابل آن آمده، عدد صفحه مربوط در چاپی است و حرف «خ» نشان نسخه مرعشی و عدد مقابل آن، شماره برگه از نسخه است که بیت یا مصرع مذکور در آن آمده است.

- بنا (تنا) پای این ره نداری چه پویی (چ: ۱۸) (خ: ۱۴)
- نکو گویی سخن گفتت (گفتست) در ذات (چ: ۱۹) (خ: ۱۵)
- چه حدیث (حدیثت) در جهان که شنید (چ: ۲۰) (خ: ۱۶)
- سایه (سایه = سایه‌ای) در عدم سرای خراب (چ: ۲۰) (خ: ۱۶)
- در سینه (+هر) غمزده پنهان همه او بین (چ: ۲۱) (خ: ۱۷)
- هر خیر (چیز) که دانی جز از او دان که همه اوست (چ: ۲۲) (خ: ۱۷)
- غیر (عین) دگریکی است به دینار (بیدیار) آمده (چ: ۲۲) (خ: ۱۸)
- تسلیم و رضای (رضا) بهار و باغ توبس است (چ: ۳۴) (خ: ۲۴)
- خوش است عالم آزادگی و خوش خویی / بدین مقام درآی (درا) گربهشت می خواهی (میجوئی) (چ: ۳۴) (خ: ۲۵)
- تا شوی وصل را ز فراق (تا شوی در جهان وصل و فراق) (چ: ۳۵) (خ: ۲۶)
- چو آید (چو آیدر) نخواهی همی آرمد (چ: ۴۸) (خ: ۳۷)
- نه هر که مال نبودش به عافیت نه بزیت (به نزیت) (چ: ۴۹) (خ: ۳۶)
- شاخ شجر و جود (وجود) بی سیمان را / از ابر عطاء خوش (خویش) تر داشت می (چ: ۵۰) (خ: ۳۸)
- ترازویی که بدان بار براو (بار بر روی) سنجند (چ: ۵۱) (خ: ۳۷)
- بمیری (نمیری) به بزم اندرون بی گمان (چ: ۶۳) (خ: ۴۵)
- ز مهر و کین تو تمیز (تمیز) یافتند ار نی (چ: ۶۳) (خ: ۴۶)
- بریده گشت چو بر تیر تاش (تیز تاش) کرد گذار (چ: ۶۴) (خ: ۴۶)
- سنان رمح تو گردد زمرد اندر نهیب (زمرد ارز نهیب) (چ: ۶۵) (خ: ۴۷)
- چون تو بدیع صوتی (صورتی) بی سبب (+ و) کدورتی (چ: ۸۰) (خ: ۵۷)
- کس عهد و وفا چنان که پیمان خورد (پروانه خرد) / با شمع به پایان نشنیدم (نشندیم) که برد (چ: ۸۰) (خ: ۵۸)
- دانی ز چه روان (- آن) سرو روان سرسبز است (چ: ۸۰) (خ: ۵۸)

۶. رک به: ایرج افشار، «انیس الوحده و جلیس الخلوه» (گلستانه اصفهانی و گلستانه سرایی)، ص ۶۹.

- تواضع کند هوشمند کزین (گزین) (چ: ۹۲) (خ: ۶۳)
- به چشم کسان در نیاید کسی / که از خود بزرگی نماید همی (بسی) (چ: ۹۲) (خ: ۶۵)
- زان در نظر اهل دل و دین هیچ (- هیچ) نبود (چ: ۹۳) (خ: ۶۵)
- بیند همه خیر (چیز) و خویشان بین نبود (چ: ۹۳) (خ: ۶۵)
- کسی که عزت غزلت (عزالت) نیافت هیچ نیافت (چ: ۱۰۹) (خ: ۷۴)
- گر نه (نه ئی) مور زود میرمباش (چ: ۱۱۱) (خ: ۷۷)
- در این دوروزه توقف که بود (بو) که خود نبود (چ: ۱۱۲) (خ: ۷۹)
- نان جومی خورد و پیشش پاره (پاره = پاره‌ای) بزمو و دوک (چ: ۱۱۳) (خ: ۷۹)
- آخر که را (کرا) کند که ز بهر دوروزه (دوروزه) عمر (چ: ۱۱۴) (خ: ۸۰)
- بی پرو بار بازمانده (بی پرو بار مانده) سرو (+ و) چنار (چ: ۱۱۴) (خ: ۸۰)
- نظر آنان که نگردند بدین (نگردند درین) مشتی خاک (چ: ۱۱۶) (خ: ۷۸)
- نشیب حرص شیب (شیبی) بی فراز است / درازی اهل (امل) کاری دراز است (چ: ۱۱۷) (خ: ۷۶)
- عیب (عیبه) عیب‌ها شره کندت (چ: ۱۱۷) (خ: ۷۸)
- پراکنده شد بر سر هر (- هر) انجمن (چ: ۱۳۱) (خ: ۸۹)
- چون مهره که ماند در شش در (در مششدر) (چ: ۱۳۳) (خ: ۹۰)
- بشنود (بشنو) از من پس از این پیش خود (چ: ۱۳۳) (خ: ۹۰)
- بخسبد همی کبک در زیر (در پز) باز (چ: ۱۴۱) (خ: ۹۵)
- به عهد دولت او (+ نام) شب روی ز خیال (چ: ۱۴۲) (خ: ۹۵)
- که نحست (بیخیست) این کآورد بار غم (چ: ۱۴۵) (خ: ۱۱۰)
- عنوان صحیح الباب الحادی عشر چنین است: (فی العقل والتجارب...) (چ: ۱۴۷) (خ: ۱۱۱)
- دایه (دایه = دایه‌ای) زیر این کهن بنیاد (چ: ۱۵۸) (خ: ۱۱۷)
- از نقش خیال به (بد) دلت بتکده‌ای است / بشکن بت و کعبه (کعبه = کعبه‌ای) کن این بتکده را (چ: ۱۵۸) (خ: ۱۱۷)
- دل منه تا زمایی (تا نیازمائی) دوست (چ: ۱۵۹) (خ: ۱۱۸)
- ورز دست (ورزدست) این نفسم باد دم واپسین (دم بازپسین) (چ: ۱۷۵) (خ: ۱۰۱)
- ور خطا خود ز من افتاد براو (برو) از سر این (چ: ۱۷۵) (خ: ۱۰۱)
- ز جود تو است عمل (امل) را هزار دل گرمی (چ: ۱۷۵) (خ: ۱۰۱)
- فرسنگها (فرسنگها = فرسنگهای) دور پذیرد (پذیره) همی شود (همی شوند) / عفوت گناه را (+ و) سخایت سؤال (چ: ۱۷۵) (خ: ۱۰۱)
- وان را که خطای (خدای) برگزیند (چ: ۱۷۵) (خ: ۱۰۲)

۹. این عنوان در صفحه ۲ به درستی آمده، اما در صفحه ۱۴۷ و بالای تمام صفحات این باب از کتاب «فی العقل والتجارة...» درج شده است.

- شود تحریک (شود بچربک) و تضریب مفسدی برباد (چ: ۱۷۶) (خ: ۱۰۲)
- گر (اگر) مردی احسن الی من اساء (چ: ۱۷۶) (خ: ۱۰۲)
- به شکر آن که تودر خانه (خانه = خانه‌ای) و اهلت پیش (چ: ۱۹۴) (خ: ۱۲۸)
- نقشه (نفثه) روح قدس باشد و الهام خدای (چ: ۱۹۵) (خ: ۱۲۸)
- نقش امسال فروخواند از صفحه یار (پار) (چ: ۱۹۵) (خ: ۱۲۸)
- نبیند (بیند) فلک نظیر تولیکن به شرط آن که (انک) (چ: ۱۹۶) (خ: ۱۲۹)
- نماند (بماند) آینه دولت توروطن از آن که (انک) (چ: ۱۹۶) (خ: ۱۲۹)
- نه او که از شعرا هیچ کس تورا هجا (- هجا) نکند (چ: ۱۹۸) (خ: ۱۳۰)
- چه جای هجو که اندیشه هم که را (کرا) نکند (چ: ۱۹۸) (خ: ۱۳۰)
- چو (چه) شیری که چنگال و دندان ندارد (چ: ۱۹۸) (خ: ۱۳۰)
- کران بالا که زی کوزی (بالا گزی کوزی) نیرزد (چ: ۱۹۹) (خ: ۱۳۱)
- کثیره مجری الدمع عند التلف (التلف) (چ: ۲۳۳) (خ: ۱۶۷)
- لأشکوا ما أقاسی فی العراق (الفراق) (چ: ۲۳۵) (خ: ۱۶۹)
- وإن أمت هکذی وحدا فیا (+ اسفی) (چ: ۲۳۶) (خ: ۱۶۹)
- داده یزدان همه چیزت (چیزیت) مگر مثل و مثال (چ: ۲۳۶) (خ: ۱۶۹)
- باد فراش بریز (پریز) از سرگستاخ روی (چ: ۲۳۷) (خ: ۱۶۹)
- ساحت پاک پی آهوی (بی آهوی) تورا حورالعین (چ: ۲۳۷) (خ: ۱۷۰)
- حسنی باید چون (چو) حسن توروافزون / یک روزه نگویی (نکویی) همه کس را باشد (چ: ۲۴۰) (خ: ۱۷۳)
- می گفتمت که جان (جانی) دیگر دریغم آمد (چ: ۲۴۱) (خ: ۱۷۴)
- قطره شبیم سحرکه (سحرکه) بر رخ برگ سمن (چ: ۲۴۱) (خ: ۱۷۴)
- ولی ذوق (ذوقی) دگر دارد لب ت در (- در) هنگام خندیدن (چ: ۲۴۲) (خ: ۱۷۴)
- آن ابروها بین (آن ابرو بین) بسان کشتی گیران / سرسوی سرآورده و قد هم (قلدها) زده خم (چ: ۲۴۳) (خ: ۱۷۶)
- در ملک عارض توناظر چشمت (چشمست) (چ: ۲۴۴) (خ: ۱۷۷)
- چو (چون) می نتوان نهاد لب بر لب تو (چ: ۲۴۴) (خ: ۱۷۷)
- جز این دقیقه که با دوستان نمی باید (نمی باید) (چ: ۲۴۴) (خ: ۱۷۷)
- که در (در) حدیث نیاید چو در حدیث آید (چ: ۲۴۵) (خ: ۱۷۸)
- دهان تنگ تو (+ و) شخص من در آرزویش (چ: ۲۴۵) (خ: ۱۷۷)
- نسخه (نسخه‌ای) از چشم تولیکن سقیم (چ: ۲۴۵)
- از آن چو دایره (دایره) غم در میان گرفت مرا (چ: ۲۴۵) (خ: ۱۷۷)
- لب های تو کردگار (کرد کار) شکر (شکر) شیرین (چ: ۲۴۶) (خ: ۱۷۸)
- دورسته (رسته) در دندان چون از لب ت (رخش) بتابد / گویی مگر ثریا در کوه و (- کوه و) ماه کرد منزل (چ: ۲۴۶)

(خ: ۱۷۸)

گوی گریبان کیست کوسر بر سر دوست (دوشت) نهد / بیم است کز غیرت کنم صدپاره بر خود (تن) پیرهن (چ):  
(۲۴۶) (خ: ۱۷۹)

گر (کز) پیرهنش ناف نمی یابد اثر (چ: ۲۴۷) (خ: ۱۸۰)

پیش از کمر تو در میان هیچ (+ ندید) / چشمم ز میان تو نشان هیچ ندید (چ: ۲۴۷) (خ: ۱۸۰)<sup>۱۰</sup>

بربندد (بنبندد) ز میان تو کمر طرفی از آن که (از انک) (چ: ۲۴۷) (خ: ۱۸۰)

اندر دهن حدیث (حدیثت) و ندر کمر متانت (میانت) (چ: ۲۴۸) (خ: ۱۸۰)

تا هر چه تو را باشد و تا هر که تو را هست (تورا است) / یکسونهی حدیث عشق از تو خطاست (چ: ۲۴۹) (خ: ۱۸۱)

از وجه کمال وردی (کمال و روی) معنی کردیم (چ: ۲۴۹) (خ: ۱۸۴)

عشق ارچه عقیلۀ جان (جهان) است خوش است (چ: ۲۴۹) (خ: ۱۸۵)

تا عشق توز دوست (توزد دست) به دامان دلم (چ: ۲۴۹) (خ: ۱۸۴)

جز کرم روی (گرم روی) خوش نفسی را ره نیست (چ: ۲۵۰) (خ: ۱۸۳)

تبت زد و بیستی (تبت ز دوبیتی) و غزل از تنزیل (چ: ۲۵۱) (خ: ۱۸۶)<sup>۱۱</sup>

خلق مجنونند (مجنونند) و مجنون عاقل است (چ: ۲۵۴) (خ: ۱۹۰)

زیاده (از باده) صرف عشق بی هوشی به (چ: ۲۵۵) (خ: ۱۹۲)

کس رشته تو چنان که شرط است نیافت (نتافت) (چ: ۲۵۵) (خ: ۱۹۲)

بس کس که تو را بجست (+ و) محروم نماند (بماند) (چ: ۲۵۵) (خ: ۱۹۲)

مراد از بخت (+ و) حظ از نفس و مقصود از جهان دارد (چ: ۲۵۶) (خ: ۱۹۳)

محبت با کسی دارم کز او از (کز) با خود نمی آیم / چو بلبل کو (کز) نشاط گل فراغت ز آشیان دارد (چ: ۲۵۶) (خ: ۱۹۳)

گر محبت را کسی یار و (کسی یارد) نهفتن از حبیب (چ: ۲۵۷) (خ: ۱۹۴)

منصب دنی عقبی (منصب دنیا و عقبی) گر نباشد گو مباش (چ: ۲۵۷) (خ: ۱۹۴)

چو (چون) ناله چنگ بشنوم خون گرم (چ: ۲۵۹) (خ: ۱۹۷)

مهرم به جان رسیده (رسید) و به عیوق بر شدم (چ: ۲۶۰) (خ: ۱۹۶)

توپرده بیش (پیش) گرفتی وز اشتیاق جمالت (چ: ۲۶۱) (خ: ۱۹۶)

من خود ای ساقی از این شراب (ازین شوق) که دارم مستم (چ: ۲۶۱) (خ: ۱۹۶)

ز اشتیاق رخ خورشید دشت (خورشید و دشت) (چ: ۲۶۲) (خ: ۱۹۷)

نه (نهئی) وقتی ز دل خالی که دیگر وقت یاد آیی (چ: ۲۶۳) (خ: ۱۹۹)

فراموشم کجا کردی (گردی) که چون نور/ میان دیده چون جان (جانی) در آغوش (چ: ۲۶۴) (خ: ۲۰۱)

با (- با) یاد تو کنم نوش چومی برگیرم (چ: ۲۶۴) (خ: ۲۰۰)

۱۰. در نسخه مرعشی دو مصراع این بیت جایجا هستند.

۱۱. اغلاط ویرایشی در متن کتاب بسیار است و در این مقاله به گزارش چند نمونه اکتفا شده است.



- ای دوست مرا برغم (برغم) دشمن یاد آر (چ: ۲۶۵) (خ: ۲۰۲)
- نمی آیم (نمی آید) تو را از عاشقان (دوستان) یاد (چ: ۲۶۵) (خ: ۲۰۱)
- که دایم بخت نیست (بخت نیکت) همنشین باد (چ: ۲۶۵) (خ: ۲۰۱)
- آن انجم سوز (آه انجم سوز) من از هفت گردون بگذرد (چ: ۲۶۶) (خ: ۲۰۲)
- تو (نو) حریفانی و (-) و) پاکیزه تر از قطره آب (چ: ۲۶۷) (خ: ۲۰۳)
- دل و چشم (چشمم) میان برق (+) و) باران (چ: ۲۶۸) (خ: ۲۰۳)
- چون نظر بر سرو (+) و) بر شمشاد می آید مرا (چ: ۲۶۸) (خ: ۲۰۳)
- نه گزو خفته (نه کژو چفته) چون کمان بودیم (چ: ۲۶۸) (خ: ۲۰۴)
- با (یا) همین بود و خود همان بودیم (چ: ۲۶۹) (خ: ۲۰۴)
- کورا به سرگشته (کشته) هجران گذری بود (چ: ۲۶۹) (خ: ۲۰۴)
- چون (چو) خود بیاید و (-) و) عذرش بیاید آوردن (چ: ۲۷۱) (خ: ۲۰۵)
- در غزل «چيست دولت صحبت صاحب‌دلان در یافتن ...» ردیف مصرع دوم و چهارم نیز باید «در یافتن» باشد و «در یافتن» غلط است. (چ: ۲۷۳) (خ: ۲۰۷)
- باز آ و حلقه بر در رندان شوق زن چون خیال («چون خیال» در انتهای این مصرع اضافی است) (چ: ۲۷۴) (خ: ۲۱۳)
- بیا و بردل ما ببین (بین) که کوه الوند است (چ: ۲۷۴) (خ: ۲۱۳)
- دگر (وگر) نمیرد بلبل درخت گل به برآید (چ: ۲۷۶) (خ: ۲۱۶)
- جایی که فراق آن دل فروز (دل افروز) بود (چ: ۲۷۸) (خ: ۲۱۴)
- آخر عمر از جهان چو (چون) برود خام رفت (چ: ۲۷۸) (خ: ۲۱۵)
- بریده سر به کف پر (بر) جام جلاب (چ: ۲۸۵) (خ: ۲۲۲)
- بود مردی فقیر گلخن ناب (گلخن تاب) (چ: ۲۸۶) (خ: ۲۲۶)
- روزی از روزها مکر نهفت (مگر بنهفت) (چ: ۲۸۶) (خ: ۲۲۶)
- عشق چیزی است (عشق جبريست) اختیاری نیست (چ: ۲۸۶) (خ: ۲۲۶)
- تا چه نقش است و مهره چون بازو (بازد) (چ: ۲۸۶) (خ: ۲۲۶)
- بود بر مرد گلخنش (گلخنیش) ممر (چ: ۲۸۶) (خ: ۲۲۶)
- هیچ در خور نبود (نبد) سیاست او (چ: ۲۸۷) (خ: ۲۲۷)
- عشق پیوند راست رابطه (رابطه = رابطه ای) / در میان ایستاده واسطه (واسطه = واسطه ای) (چ: ۲۸۷) (خ: ۲۲۷)
- نسبتش گربه جان است (گربه جانبیست) درست (چ: ۲۸۷) (خ: ۲۲۷)
- بد نه نیک است پی خلاف (بی خلاف) ولیک (چ: ۳۱۶) (خ: ۲۳۳)
- دریاب کنون که نعمت (نعمت) هست به دست (چ: ۳۱۷) (خ: ۲۳۳)
- بگداختم (بگداختم) چوموی دیگر چه کنی (چ: ۳۳۳) (خ: ۲۴۳)
- گفت (+ شرب) از زیر مقسم عامه راست (چ: ۳۳۴) (خ: ۲۴۳)

گفتم که سپاهان مدد جان ما شد (جان باشد) (چ: ۳۳۵) (خ: ۲۴۳)

شهری که به از هزار داران (ازان) باشد/ کی لایق همچو (هجو) تو گران جان باشد (چ: ۳۳۵) (خ: ۲۴۳)

عشروا (عشروا) بها و سلمت من لحجاتها<sup>۱۲</sup> (چ: ۳۴۵)

به تزویر دشمن مشوغزه گرچه / برو بندند (بندد) از مکر پیرایه را (پیرایه ای را) (چ: ۳۴۶) (خ: ۲۵۰)

سخن دان بگفت (نگفت) این سخن برفسوس (چ: ۳۴۷) (خ: ۲۵۰)

به خدمت کمر بند و زان بس (پس) برآر (چ: ۳۴۷) (خ: ۲۵۰)

راه وصل ما به پای عاشقان / گرتورا رغبت بود کامی (گامی) بود (چ: ۳۵۳) (خ: ۲۵۴)

مزاجک (مزاحک) و الجد مستحسنان (چ: ۳۶۰) (خ: ۲۵۹)

که عطار (عطار) به فضل خاضعهم (چ: ۳۶۲) (خ: ۲۶۰)

دو زنگ (دو زنگ) و دوالی از او یادگار (چ: ۳۶۲) (خ: ۲۶۱)

ضبط ابیات محلی بندار رازی در صفحه ۳۶۳ از چاپی مغلوپ است. این ابیات در برگ ۲۶۱ از نسخه مرعشی چنین آمده است: «شهری بمنبر بریکی رُوج / همی کُت واعظی زین هرزه لائی \* که هفت اعضاء مردم روز محشر / ده بر کردهای خوگوائی \* زنی بر بانه می زد دست و می گفت / وسا ژاژا که ته ان رُوج خائی»

آن شنیدی که در خرمداشت (کاتب نسخه مرعشی جای کلمات آخرین مصرع را خالی گذاشته است. در منبع «حد مرداشت» آمده است).<sup>۱۳</sup> (چ: ۳۶۳) (خ: ۲۶۱)

مستی از راه (راح) هر صباح مکن (چ: ۳۶۴) (خ: ۲۶۱)

تا هشیارم و مرطوبم نقصان است (تا هشیارم در طربم نقصانست) (چ: ۳۶۹) (خ: ۲۶۴)

فلا طبیب یداوی (یداوی) لها ولا راقی (چ: ۳۷۴) (خ: ۲۶۷)

که هر آستینش (آستینش) جانی در او است (دروست) (چ: ۳۸۲) (خ: ۲۷۴)

از خزمی و لذت و (و) چنگ و سماع او (چ: ۳۸۲) (خ: ۲۷۳)

چون نی سرم زتن جدا اندازی (چون ناسرم ار زتن جدا اندازی) (چ: ۳۸۳) (خ: ۲۷۳)

چو (چون) مست شود چنگ نواز خورشید / از رشک دلی (دل) زهره گدازد (گدازد) خورشید (چ: ۳۸۳) (خ: ۲۷۳)

و ...

\*\*\*

برخی از آشفستگی های کتاب جناب مطهری نشان از شتاب ایشان برای چاپ و عدم بازخوانی و ویرایش متن دارد. برای مثال در پاورقی صفحه ۱۴۰ چنین آمده است:

از اینجا تا ص ۱۶۶ در نسخه «ب» افتادگی دارد و با شعر زیر مجدداً آغاز می شود: رحمت صفت خدای باقی است / و آن را که خدای برگزیند». بیت مذکور در صفحه ۱۷۵ آمده و در آنجا مصحح چنین پاورقی داده است: «از اینجا نسخه «أ» مجدداً شروع می شود!»

یا مثلاً در سراسر باب چهارم در بالای صفحات، الباب الثالث درج شده است!

۱۲. با کمک منبع اصلاح شد. (رک به: نصرالله منشی، ترجمه کلیده و دمنه، ص ۱۵۴)

۱۳. رک به: سنایی، حدیقة الحقیقه، ص ۶۴۷.

## ارجاعات

یکی از محسنات کتاب آقای مطهری، همان‌طور که آقای رسول جعفریان متذکر شده‌اند، «استخراج منابع مطالب نقل شده از مصادر کهن است» (مقدمه، صفحه شش) مصحح طبق گفته خود، برای این امر «از نرم افزارهای رایانه‌ای نیز بهره وافی» برده است. (مقدمه، صفحه ۸۲) استفاده از این نرم افزارها در امر پژوهش به هیچ وجه عیب شمرده نمی‌شود. بنده نیز معتقدم که باید به مرور و با بهره‌گیری از تصحیحات معتبر و دقیق، تمام میراث مکتوب فرهنگ ایرانی به صورت پیکره‌ای قابل جستجو درآید و در اختیار تمام پژوهش‌گران گذاشته شود. آنچه در این مورد عیب شمرده می‌شود، اکتفا به این نرم افزارهاست. مواردی چون ارجاع ابیات شاهنامه به نرم افزار نور،<sup>۱۴</sup> ارجاع اشعار شاعران به منابعی غیر از دیوان آنها، ارجاع ناقص و بسنده کردن به ذکر نام کتاب (برای دو مورد اخیر در ادامه نمونه‌هایی ذکر شده است) و... مطابق استانداردهای یک پژوهش علمی نیست. اکتفا به بهره‌گیری از این نرم افزارها و استفاده نکردن از منابع قابل ارجاع، در فهرست منابع انتهای کتاب نیز نمود دارد. در این فهرست در کنار ارائه اطلاعات ناقص و بعضاً نادرست درباره برخی منابع،<sup>۱۵</sup> بعضی منابع پر استفاده چون حیاة الحیوان و کلیات سعدی اصلاً ذکر نشده است.

در زیر چند نمونه از نابسامانی‌های موجود در ارجاعات کتاب ذکر می‌شود:

صفحه ۱۵۴: ابیات قصیده نونیه ابوالفتح بستنی به حیاة الحیوان ارجاع داده شده است. این قصیده مشهور، جز حیاة الحیوان در بسیاری دیگر از کتب ادبی به صورت کامل یا بخشی از آن نقل شده است و بهتر بود که به دیوان ابوالفتح بستنی ارجاع داده می‌شد.<sup>۱۶</sup>

صفحه ۱۷۴: بیت «تائب اندر خواب نام توبه نتواند شنید...» به کلیله و دمنه ارجاع داده شده است. این بیت از عثمان مختاری است و شایسته بود که به دیوان عثمان مختاری ارجاع داده می‌شد.<sup>۱۷</sup>

صفحه ۱۷۷: بیت «به جای تو گردکنش بد کند...» به بخشی از شاهنامه ارجاع داده شده است که ربطی به این بیت ندارد. این بیت و بیت بعدی که در نسخه مرعشی نیز به فردوسی نسبت داده شده‌اند، از ابیات شاهنامه نیستند. (خ: ۱۰۲)

صفحه ۱۹۳: بیت عربی اول صفحه به اشتباه به بوستان سعدی ارجاع داده شده است. ارجاع بوستان مربوط به ابیات بعدی از سعدی است.

صفحه ۱۱۲: رباعی «چون قسم تو ز آنچه عدل قسمت فرمود...» که در چاپی و نسخه مرعشی منسوب به عزالدین کاشی است، چنین ارجاع داده شده: «دیوان سلمان ساوجی، رباعیات». این رباعی با اندک اختلافی در صفحه ۵۴۱ از کلیات سلمان ساوجی به تصحیح عباسعلی وفائی آمده است.

صفحه ۱۱۳: قطعه معروف ابن یمین «مرالقمه نانی که در خور بود...» که در نسخه مرعشی نیز چون چاپی به خیام نسبت داده شده، چنین ارجاع داده شده است: «دیوان خیام». این قطعه با اندک اختلافی در دیوان ابن یمین آمده است.<sup>۱۸</sup>

صفحه ۱۷۵: بیت «ز جود تو است عمل (امل) را هزار دل گرمی...» چنین ارجاع داده شده است: «دیوان اصفهانی». این بیت از ابیات قصیده‌ای است با مطلع «خدای داد به ملک زمانه دیگر بار...» و در صفحه ۳۹ از

۱۴. برای نمونه صفحات ۱۵۷ و ۱۵۸ و... و همچنین صفحه ۵۱۸، فهرست منابع و مآخذ دیده شود.

۱۵. برای نمونه، صفحه ۵۱۳، فهرست منابع و مآخذ، شماره ۳۷، ترجمه کلیله و دمنه دیده شود.

۱۶. رک به: محمد مرسی الخولی، ابوالفتح البستی حیاة و شعره، ص ۳۱۳.

۱۷. رک به: رکن الدین همایون فرخ، دیوان حکیم مختاری غزنوی، ص ۳۲۲.

۱۸. رک به: حسینعلی باستانی‌راد، دیوان اشعار ابن یمین فریومدی، ص ۳۵۴؛ همچنین سعید نفیسی، دیوان قطعات و رباعیات ابن یمین، ص ۳۴.

دیوان کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی به تصحیح حسین بحرالعلومی آمده است.

ارجاعاتی مانند دو مورد فوق در کتاب جناب مطهری فراوان یافت می‌شود و به خاطر محدودیت حجم مقاله به ذکر فهرست وار چند نمونه دیگر بسنده می‌شود:

ارجاع به «جوامع الحکایات عوفی» در صفحات ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۹۵، ۱۲۲ و ...

ارجاع به «دیوان ادیب صابر» در صفحه ۱۹۹

ارجاع به «دیوان نظام‌الدین» و «دیوان اصفهانی» در مورد اشعار قاضی نظام‌الدین اصفهانی در صفحات ۲۲۲، ۲۲۳ و ...

ارجاع به «دیوان ابوسعید ابوالخیر» در صفحه ۱۱۸

ارجاع به «دیوان عزالدین کاشانی» در صفحات ۲۵۰، ۲۵۹ و ...

مجدداً ارجاع به «دیوان خیام» در صفحه ۲۵۰

ارجاع به «دیوان سعدی، قطعات» در صفحه ۳۶۲

ارجاع به «شاهنامه فردوسی» در صفحه ۲۳ و ...

### تفکیک اشعار

متأسفانه در بسیاری از صفحات مربوط به اشعار فارسی و عربی، ابیات به درستی از هم تفکیک نشده‌اند. گاهی ابیاتی که باید به هم پیوسته باشند از هم جدا شده‌اند و گاهی ابیات مستقل به هم پیوسته‌اند. این اشتباهات در عدم تفکیک صحیح اشعار مستقل باعث نقصان و ناکارآمدی فهرست اشعار پایان کتاب نیز شده است. برای مثال در صفحه ۲۵۹ دو رباعی از کمال اسماعیل به هم پیوسته آمده و یک شعر انگاشته شده‌اند و به این ترتیب در نمایه اشعار فارسی کتاب که براساس ابیات نخست اشعار تنظیم شده، تنها بیت نخست از رباعی اول ذکر شده است.

در زیر برخی از موارد عدم تفکیک صحیح اشعار ذکر می‌شود. در تمام این موارد در نسخه مرعشی ابیات به درستی از هم تفکیک شده‌اند:

ص ۷۶: بیت «سمعت عنک حدیثا یا رب لا کان صدقا...» مستقل است و دو بیت بعدی باید به هم پیوسته باشند.

ص ۹۳: از بیت «عیب است (عیبیست) بزرگ برکشیدن خود را...» تا بیت «گرتکبیر می‌کنی با خواجگان سفله کن...» در واقع سه رباعی و دو تک‌بیت مستقل است که در چاپی به صورت یک شعر به هم پیوسته آمده است.

ص ۱۰۹: سه رباعی پایین صفحه که ذیل عنوان «لأثیرالدین أومانی» آمده از هم تفکیک نشده‌اند. در نسخه مرعشی رباعی اول با عنوان «لأثیرالدین أومانی»، رباعی دوم با عنوان «وله» و رباعی سوم با عنوان «لغیره» آمده است. (خ: ۷۵)

ص ۱۱۷: بیت آخر شعر کمال «دل از امید فزونی تهی کنم زان پیش...» به اشتباه تفکیک شده است. همچنین ابیات بعدی باید با توجه به وزن و قافیه تفکیک شوند.

ص ۱۴۴: بیت آخر صفحه از بوستان است و از دو بیت دیگر که به نام فردوسی آمده مجزاست.

ص ۱۴۵: جمله «چو مظلوم کشته می‌شوم سهل است» در واقع ادامه قول سقراط و به نثر است و به اشتباه مصرع نخست این مصرع «بقا بقای خداست و ملک ملک خدای» پنداشته شده است.

ص ۱۸۳: بیت سوم از اشعار عربی در واقع نثر است و به اشتباه به صورت شعر تقطیع شده است. (خ: ۱۰۸)

ص ۱۹۱: بیت «لا تمدحن حسنا فی الجود إن مطرت...» به اشتباه از دو بیت بعدی تفکیک شده است.

ص ۲۵۷: بیت «گرمحبت را کسی یارد نهفتن از حبیب...» باید پیوسته به بیت بعدی باشد و این دو بیت به اشتباه از هم تفکیک شده اند.

ص ۲۶۲: «وله» ای که در میان ابیات شعر مؤلف آمده اضافی است. (خ: ۱۹۸)

ص ۲۷۱: از بیت «چه خوش بود دو دلارام دست در گردن...» تا «... ببایدش دو سه روزی مفارقت کردن» باید به هم پیوسته باشد و به اشتباه تفکیک شده است. (خ: ۲۰۵)

ص ۲۷۱، ۲۷۲ و ۲۷۳: از بیت «منم این کز تومی بینم وصالی...» تا «... ز روز وصل یک ساعت به سالی» باید پیوسته باشد و به اشتباه تفکیک شده است. همچنین از بیت «سعادت یار و اقبالم قرین است...» تا «... حیات خود به چشم خود بدیدم» و از بیت «زهی وصل رخت کام دل من...» تا «... میان ما دگر هجران مبادا» باید پیوسته باشد. نسخه چنین است. (خ: ۲۰۶)

ص ۲۷۸: دو رباعی ابتدای صفحه با ردیف فراق با توجه به قافیه باید تفکیک شوند. (خ: ۲۱۵)

ص ۳۶۳: بیت «هرچه گویم بود ز نسیاسی...» مربوط به شعر سنایی «آن شنیدی که در حد مرداشت...» است و به اشتباه تفکیک شده است.

همچنین در صفحات ۲۳، ۳۵، ۵۰، ۵۱، ۶۵، ۶۶، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۴، ۱۷۶، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۱۷، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۷۴، از صفحه ۳۰۳ تا صفحه ۳۱۰، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۷۹، ۳۹۴، ۳۹۵ و... نیز این عدم تفکیک صحیح ابیات دیده می شود که به دلیل محدودیت حجم مقاله در این موارد به ذکر شماره صفحه بسنده می شود.

### اشعار مؤلف

از ویژگی های مهم کتاب انیس الوحده و جلیس الخلوۃ در برداشتن تعداد قابل توجهی از اشعار مؤلف است. اشعار محمود گلستانه را جز انیس الوحده، تنها در چند منبع دیگر می توان سراغ گرفت.<sup>۱۹</sup> ابیات نسبتاً زیادی از اشعار مؤلف در نسخه مرعشی وجود دارد که در متن چاپی دیده نمی شود. این ابیات همراه با ذکر برخی از آشفستگی های راه یافته به متن چاپی در ادامه نقل می شود:

در صفحه ۲۴ از چاپی سه بیت آخر اشعار فارسی «همان رخسار جان افروز عالم سوز او بیند...» از اشعار مؤلف است. در نسخه مرعشی این ابیات با اختلاف و به همراه دو بیت دیگر چنین آمده است: «وجود هرچه می بینی به قیدی کان مقتید شد/ نباشد مرد عارف را بجز با مطلقش کاری

بجز جانان نبیند انک چشمی راست بین دارد/ اگر پیش جمال یار صد ائینه برداری

اگر مشعوفی ای خسرو مگو جز از لب شیرین / وگر مجنونی ای عاشق بجز لیلی مبین باری / حروف و صورت واحد اگرچه کثرتی دارد / ز روی صورتست افراد و اجزایش ز بسیاری

ولیک از روی معنی داند انکس کو خرد دارد / که واحد جز یکی نبود گرش صد بار بشماری». (خ: ۱۹)

در پایان قسمت اشعار باب چهارم به جز دو ابیتی که از مؤلف در چاپی آمده است، چهار بیت دیگر به نام او در

۱۹: رک به: جواد بشری، «دزنگی در انیس الوحده»، ص ۲۲ و ۲۳.

نسخه مرعشی هست که در چاپی نیست: «هرکه خواهد که بر بساط نشاط / حقی از عمر خویش بردارد  
از پی جمع مال و کسب درم / خاطر خویشتن نیاز دارد \* دو سه روزی که باقی عمر است / بمراد و بکام بگذارد

هرچه دارد ببخشد و بخورد / تا بمیراث خوار نگذارد» (ج: ۵۳) (خ: ۳۸)

- در پایان اشعار الباب الخامس و در صفحه ۶۷ از چاپی، ۵ بیت از مؤلف آمده است. نسخه مرعشی در این موضع  
یک بیت نسبت به چاپی اضافه دارد. این بیت که بین ابیات چهارم و پنجم قرار می‌گیرد، چنین است: «ور نسیم  
سحر برو بدمد / همچو آهوز بیم سگ برمد». (خ: ۴۹)

- در رباعی پایان باب یازدهم (صفحه ۱۶۰ از چاپی) در برگ ۱۱۸ نسخه مرعشی آمده است، اما گویا پیش از این  
صفحه، نسخه افتادگی دارد و عنوان للمؤلف وجود ندارد. بعد از این دو رباعی، با عنوان «وله فی التجارب» پنج  
بیت در نسخه مرعشی آمده است که در چاپی نیست: «چو آزمودی و دیدی که دوستی دلدار / بدست نامد و ناید  
اگر بسی جوئی

بدرین امید پی این و آن چه میگردی	بهرزه در طلبش روز و شب چه می‌پوئی
بآب یأس بشو پاک در نشیمن خاک	ز یار یکدل و دلدار دست اگر شوئی
ز روی تجربه بسیار جسته‌ایم و نیافت	ز گلستان محبت مشام ما بوئی
حدیث مردم داری کنون و دلداری	ز چشم و سینۀ خود بازگویی اگر گوئی

- روال مؤلف چنین است که در پایان قسمت اشعار هرباب، ابیاتی نیز از خود می‌آورد، اما در صفحه ۱۹۹ از چاپی  
و پایان باب ۱۳ هیچ شعری از مؤلف نیامده است. نسخه مرعشی در این موضع سه بیت از مؤلف با عنوان «اشتری  
منه رجل فرسا ورد البیع و قال فیه بدیهة» دارد: «از خری خواجه اسب من بخرد / گوئیا در وی آنچه خواست ندید

شد پشیمان و باز داد اسبم	روشنم شد که او دران چه بدید
ایگری بود میل خواجه بدان	اخته بد اسب بنده نپسندید» (خ: ۱۳۱)

- در میان اشعار عربی باب چهاردهم و در برگ ۱۵۵ از نسخه مرعشی دو بیت از مؤلف وجود دارد که در چاپی  
نیست: «فوادى بعد بعدک نور عینی / کما قد کان فی لوب شدید

هواءک کامن فی سقر قلبی کمنون النار فی وسط الحدید»

- در صفحات ۲۴۵ و ۲۴۶ از چاپی تنها ۹ بیت نخستی که بعد از عنوان «للمؤلف» آمده از مؤلف است و از رباعی  
«از لعل تو پخته گشت هر کاری خام...» به بعد اشعار به اشتباه با عنوان «وله» به مؤلف نسبت داده شده است. این  
ابیات متأسفانه در فهرست اشعار مؤلف که در پایان کتاب آمده نیز درج شده است. در صورتی که رباعی «از لعل تو  
پخته گشت هر کاری خام...» و بیت «دورسته دزدندان چون از لبت بتابد...» از کمال اسماعیل است. (خ: ۱۷۸)

همچنین آن ۹ بیتی که از مؤلف است، در نسخه مرعشی با چاپی اختلافاتی به شرح زیر دارد:

به جای بیت «دهانش جوهر فرد است موهوم / ز موباریک ترا و را میان است» در نسخه این بیت آمده است: «سخن  
گوید و لکن بی دهانی / کمر بندد و لکن بی میانست»

و البته رباعی «گل غرق عرق ز آتش (عارض) چون خور تو است / نه (مه) پرتوی از نور رخ انور تو است...» ضمن اینکه  
بد خوانده شده است، باید از شعر قبلی تفکیک شود.

همچنین بیت پیش رو بد خوانده شده است: «تا بشورید کی (تا به شوریدگی) سر زلفت / سر بر آورده است شگانه  
(شنگانه)» (خ: ۱۷۸)

در برگ ۱۷۸ از نسخه مرعشی و در میان اشعار فارسی باب چهاردهم دو بیت از مؤلف وجود دارد که در چاپی نیست: «با رسته دندان بتم عقد گهر/ میگفت که نثر من ز نظمت بهتر

لؤلؤ خوشش جواب داد از سر لطف بر بسته دگر باشد و خود رسته دگر»

در برگ ۱۸۱ از نسخه مرعشی و در میان اشعار فارسی باب چهاردهم دو بیت از مؤلف هست که در چاپی وجود ندارد: «ماهیت رخت که نور می بخشاید / سرویست قدت که باغ می آراید

لعلیست لب که روح می افزاید / فی الجملة چنانی که چنان می باید»

در برگ ۱۸۵ از نسخه مرعشی و در میان اشعار فارسی باب چهاردهم دو بیت از مؤلف هست که در چاپی وجود ندارد: «عشق آمد و از دیده من نم بستد / شادی و نشاط از دل پرغم بستد

بر عقل چو دست یافت شاهنشاه عشق / اقرار بعجز ازو بیکدم بستد»

در ص ۲۵۵ از چاپی یک رباعی از مؤلف آمده که البته صورت صحیح مصرع نخست آن چنین است: «از باده صرف عشق بی هوشی به». در این موضع و در برگ ۱۹۲ از نسخه مرعشی دو رباعی دیگر نیز به نام مؤلف وجود دارد: «للمؤلف؛ ای زلف تو دام و خال تو دانه دل / معمور ز دیدار تو ویرانه دل

دیربست که مهرتست هم صحبت جان / دیربست که عشق تست همخانه دل» و «و من مقالاته؛ تا چین سر زلف تو شد خانه دل / منزلگه عشق گشت ویرانه دل

هرگز تو گمان مبر که عاقل گردد بی سلسله زلف تو دیوانه دل»

در صفحه ۲۶۲ و ۲۶۳ از چاپی شش بیت از مؤلف آمده است، اما در برگ ۱۹۷ و ۱۹۸ نسخه مرعشی و در همین موضع علاوه بر این شش بیت، ۹ بیت دیگر نیز از مؤلف به شرح زیر وجود دارد: یک رباعی «مندیش که گرز هجر غمها اندوخت / دل جامه صبر در غم هجر تو دوخت

لطفی که تنم در ارزویت بگداخت / رحمی که دلم در اشتیاق تو بسوخت» و یک غزل «میل دلم به صحبت تو بی نهایتست / شوقم به دیدن رخ خوبت به غایتست

من خود کیم که دولت وصلت طلب کنم در خواب اگر خیال تو بینم کفایتست

روزی که قصد خون دلم کرد هجر تو هجری که بر دلم ستمش بی نهایتست

گفتی به وصل خویش حمایت کنم تورا هجرم بکشت عاقبت اینت حمایتست

دوری به اختیار ز یاران چو میکنی با ما بگو که حرم (؟) کدامت ولایتست

سزای که با تو دارم و شوقی که سوزان از عشق یار در دل و جان سرایتست

گفتم مگر به غیر تو کس را وقوف نیست هر جا که میروم همه جا این حکایتست»

همچنین شعر «ای به روی تو چشم جان روشن ...» در نسخه مرعشی نسبت به چاپی اختلافاتی به شرح زیر دارد:

مصرع نخست این شعر در نسخه مرعشی چنین است: «ای بروی تو جسم و جان مشتاق»

به جای بیت سوم چاپی، در نسخه مرعشی این بیت آمده است: «چند باشد بقند لعل لب / دل رنجور ناتوان مشتاق»

مصرع دوم از بیت پنجم در نسخه مرعشی چنین است: «دل بروی خوش بجان مشتاق»

تا باز روی که کار خام است: نقیسه و برسی بدکت...<sup>۱۱۰</sup>

توضیح آنکه دو بیت پایانی این غزل در چاپی به اشتباه با عنوان «وله» از بقیه غزل تفکیک شده است. (ج: ۲۶۲)  
(خ: ۱۹۸)

در صفحه ۲۶۸ و ۲۶۹ از چاپی ۱۶ بیت از مؤلف آمده است. نسخه مرعشی در این موضع یک بیت اضافه دارد. این بیت که بعد از بیت سوم شعر در چاپی قرار می‌گیرد، چنین است: «یاد باد آنک هر شبی تا روز/ در بریار مهربان بودیم» (خ: ۲۰۴)

در پایان قسمت اشعار باب چهاردهم یک رباعی از مؤلف در نسخه مرعشی آمده است که در چاپی نیست: «ای عرصه کائنات پر نور از تو/ وی رونق حسن طلعت حور از تو

نزدیک منت زمانه تا کرد جدا دور از تو چنانم که کسی دور از تو» (خ: ۲۱۷)

در قسمت اشعار فارسی باب شانزدهم دو بیت از مؤلف در نسخه مرعشی آمده است که در چاپی نیست: «به پاکی رسیدم ز پاکان حضرت / ورا گفتم ای لطف و جان لطافت

چه بهتر که ورزم ز عادات گفتم نطافت نطافت نطافت نطافت» (خ: ۲۴۴)

#### انتساب اشعار

در انتساب اشعار به شاعران نیز در تصحیح جناب مطهری آشفته‌گی‌هایی وجود دارد که برخی از آن مربوط به نسخ مورد استفاده ایشان است و برخی دیگر از روش کار ایشان سرچشمه می‌گیرد. برای مثال در صفحه ۲۴۲ از چاپی و در مورد رباعی «آن خال که بر طرف لب دل‌بندست...» مصحح با نادیده گرفتن صورت صحیح نسخه مرکز احیاء و قراردادن «وله» از نسخ دیگر در متن، در واقع شعر را به همام نسبت داده است. این رباعی همچون نسخه مرکز احیاء که مصحح در پاورقی به آن اشاره کرده است، در نسخه مرعشی نیز عنوان «کمال الدین اسمعیل» دارد. (خ: ۱۷۵)  
در ادامه برخی دیگر از این انتسابات ناصحیح ذکر می‌شود:

شعر «مقصود دل عاشق شیدا همه او دان...» در چاپی بعد از شعر عطار با عنوان «وله» آمده، اما شعرا عراقی است و در نسخه مرعشی بعد از ترجیع‌بند عراقی با عنوان «وله رحمه الله علیه» آمده است. (ج: ۲۱) (خ: ۱۷)

در صفحه ۴۵ از چاپی، شعر «و کم من شریف برّه بر محسن...» که از ابی تمام است، بدون عنوان آمده و مصحح در پاورقی به درستی این شعر را به دیوان ابی تمام ارجاع داده است، اما در صفحه بعد، یعنی صفحه ۴۶، عنوان «و قریب منه قول ابی تمام» بالای شعری قرار گرفته که از ابی تمام نیست. در نسخه مرعشی عنوان فوق برای شعراول است. (خ: ۳۳)

در صفحات ۶۴ و ۶۵ از چاپی، هشت بیت با آوردن «وله» به کمال الدین کوتاه پانسیب داده شده، اما در نسخه مرعشی فقط رباعی «شاهها ز تو گر سر کشد این چرخ بلند...» به نام کمال است و ابیات دیگر با عنوان «لغیره» آمده و از کمال کوتاه پانسیب است. (خ: ۴۷)

در صفحه ۱۷۳ از چاپی، بیت «وان اساء مسیء فلیکن لک...» با عنوان «للمتنبی» آمده است. این بیت که از ابیات قصیده نونیه ابوالفتح بستنی است، در برگ ۱۰۰ از نسخه مرعشی با عنوان «بستی» آمده است.<sup>۴۰</sup>

در صفحه ۱۷۶ از چاپی، دو بیت «چهار خصلت خوب است و خوب ترز ملوک...» با عنوان «وله» به سعدی منسوب شده است، اما این دو بیت در نسخه مرعشی عنوان «لغیره» دارد. (خ: ۱۰۲)

<sup>۴۰</sup> سه بیت دیگر از این قصیده در صفحه ۱۵۴ از چاپی به نام بستنی آمده است.



در صفحه ۱۸۹ از چاپی، بیت «قاض اذا التبس الأمران عن له...» باید بعد از عنوان «و ملح ابوفراس بن حمدان حیث قال» و به صورت تفکیک شده از ابیات بعدی بیاید. (خ: ۱۲۴)

در صفحه ۲۴۴ از چاپی، شعر «به حسن دلبر من هیچ در نمی باید...» با عنوان «وله» در واقع به کمال اسماعیل نسبت داده شده است. این شعر از سعدی است و در نسخه مرعشی نیز به نام سعدی آمده است. (خ: ۱۷۷)

در صفحه ۳۳۲ از چاپی، شعر «بدین زور و زر دنیا چوبی عقلا ن مشو غره...» که از سنایی است، با عنوان «وله» به کمال اسماعیل نسبت داده شده است. در نسخه مرعشی این شعر به درستی عنوان «سنایی الغزنوی» دارد. (خ: ۲۴۴)

### منابع چاپی

۱. ابوالمجد مجدود بن آدم السنایی الغزنوی؛ حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقه؛ تصحیح مدرس رضوی، ۱۳۲۹.
۲. ابوالمعالی، نصرالله منشی؛ ترجمه کلیله و دمنه؛ تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی؛ چاپ سی و نهم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۲.
۳. افشار، ایرج؛ «انیس الوحده و جلیس الخلوۃ (گلستانه اصفهانی و گلستانی سرایی)»؛ یادنامه دکتر احمد تفضلی؛ به کوشش دکتر علی اشرف صادقی؛ تهران: سخن، ۱۳۷۹، ص ۶۷ تا ۸۱.
۴. بشری، جواد؛ «درنگی در انیس الوحده»؛ میراث شهاب؛ شماره ۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، ص ۲۱ تا ۳۰.
۵. حسینی اشکوری، سیداحمد؛ فهرست نسخه‌های خطی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۳، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۶. دانش پژوه، محمدتقی؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
۷. دانش پژوه، محمدتقی؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران؛ ج ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳.
۸. دیوان اشعار ابن‌یمین فریومدی؛ حسینعلی باستانی‌راد؛ انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۴۴.
۹. دیوان حکیم مختاری غزنوی؛ به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ؛ موسسه مطبوعاتی علی‌اکبر علمی، ۱۳۳۶.
۱۰. دیوان خلاق المعانی ابوالفضل کمال‌الدین اسمعیل اصفهانی؛ حسین بحر العلوم؛ تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا، ۱۳۴۸.
۱۱. دیوان قطعات و رباعیات ابن‌یمین؛ سعید نفیسی؛ تهران: انتشارات کتابفروشی مروج، ۱۳۱۸.
۱۲. کلیات سلمان ساوجی، عباسعلی وفائی؛ تهران: سخن، ۱۳۸۹.
۱۳. محمد مرسی الخولی؛ ابوالفتح البستی حیات و شعره؛ دارالاندلس، ۱۹۸۰ م.
۱۴. محمود بن محمود بن علی الحسنی «گلستانه»؛ انیس الوحده و جلیس الخلوۃ؛ تصحیح و تحقیق مجتبی مطهری؛ تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.

### منابع خطی

۱. انیس الوحده و جلیس الخلوۃ؛ نسخه شماره ۱۲۰۳۹ کتابخانه مرعشی، شامل ۲۸۰ برگ، بی‌کا، بی‌تا، احتمالاً متعلق به قرن هشتم هجری.
۲. انیس الوحده و جلیس الخلوۃ؛ نسخه نفیسی، فیلم شماره ۳۸۳۹ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شامل ۶۳ برگ، بی‌کا، بی‌تا، احتمالاً متعلق به اواخر قرن هشتم هجری.